

## رفع اختلاف بین بازپرس و دادستان

# دادگاه صالحه، دادگاه عمومی یا انقلاب است

رأی وحدت رویه شماره ۷۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص مرجع حل اختلاف بین بازپرس و دادستان

شماره: ۶۳۳۳/هـ

تاریخ: ۵/۲/۱۳۸۸

باسمه تعالی

گزارش وحدت رویه ردیف ۲۲/۸۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با مقدمه مربوطه و رأی آن به شرح ذیل تنظیم و جهت چاپ و نشر ایفاد می‌گردد.

معاون قضایی دیوان عالی کشور - ابراهیم ابراهیمی

### الف: مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده ردیف ۲۲/۸۷ وحدت رویه، رأس ساعت ۹ بامداد روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۸۸/۱/۱۸ به ریاست حضرت آیت‌الله مفید رئیس دیوان عالی کشور و با حضور حضرت آیت‌الله درّی‌نجف‌آبادی دادستان کل کشور و شرکت اعضای شعب مختلف دیوان عالی کشور در سالن اجتماعات دادگستری تشکیل و پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت‌کننده در خصوص مورد و استماع نظریه جناب آقای دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۷۱۰-۱۳۸۸/۱/۱۸ منتهی گردید.

### ب: گزارش پرونده

احتراماً معروض می‌دارد: از شعب یازدهم و چهلم دیوان عالی کشور به شرح محتویات پرونده‌های کلاسه ۱۰۱۲/۱/۲۰ و ۴/۱۰۱۱۲/۱۲ در استنباط از بند «ن» ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ آراء متهافت صادر گردیده است که جریان آن به شرح آتی منعکس می‌گردد:

۱- حسب محتویات پرونده ۱۰۱۲/۲۰ شعبه یازدهم دیوان عالی کشور آقای بازپرس شعبه پانزدهم دادسرای ویژه امور جنایی شیراز در خصوص اتهام آقایان فرخ برزگر و مهران زارع مبنی بر شرکت در قتل عمدی مرحوم محمد فیوج‌دوره‌شوری طی قرار ۲۴۱/۸۶ به لحاظ فقد دلیل کافی بر انتساب بزه، منع تعقیب کیفری صادر نموده، این قرار پس از موافقت دادسرا مورد اعتراض وکلای اولیای دم قرار گرفته، شعبه بازپرسی پرونده را جهت رسیدگی به اعتراض به دادگاه کیفری استان فارس ارسال نموده، شعبه پنجم دادگاه کیفری استان فارس رسیدگی به اعتراض واصله را در صلاحیت دادگاه عمومی دانسته، که پس از اعاده به دادسرا در شعبه ۱۰۸ دادگاه عمومی جزایی شیراز مطرح گردیده و شعبه اخیرالذکر طی دادنامه ۱۸/۸۷ به صلاحیت دادگاه کیفری استان اظهار نظر

نموده و پرونده را به این مرجع اعاده کرده، که به واسطه اختلاف حاصله موضوع در شعبه یازدهم دیوان عالی کشور مطرح و طی صدور دادنامه ۱۸۳/۸۷ - ۱۳۸۷/۲/۲۸ به شرح ذیل اتخاذ تصمیم نموده‌اند:

نظر به اینکه دادسرای عمومی و انقلاب هر شهرستان در معیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب شهرستان انجام وظیفه می‌نماید، رسیدگی به اعتراض شاکی نسبت به قرار منع تعقیب، در صلاحیت دادگاه عمومی بوده و با تأیید نظریه دادگاه کیفری استان فارس مبنی بر صلاحیت دادگاه عمومی جزایی (ترجیحاً شعبه ۱۰۸ دادگاه عمومی شیراز) حل اختلاف صورت می‌پذیرد.

۲- به دلالت محتویات پرونده ۱۰۱۱۲/۱۲ شعبه چهلم دیوان عالی کشور، آقای دادرس دادگاه عمومی و انقلاب زرین‌دشت به موجب قرار ۴-۱۳۸۴/۷/۳۰ به جانشینی بازپرس در خصوص اتهام آقای محسن افزولگان فرزند خورشید مبنی بر ارتکاب قتل عمدی مرحوم هوشنگ جعفری قرار منع تعقیب کیفری صادر نموده، که پس از موافقت دادستان در اثر اعتراض آقای وکیل اولیای دم در شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی داراب مطرح و موضوع در صلاحیت دادگاه کیفری استان تشخیص و پرونده با قرار عدم صلاحیت در شعبه پنجم دادگاه کیفری استان فارس مطرح و این شعبه نیز با عدم پذیرش صلاحیت خود پرونده را جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال داشته، که شعبه چهلم دیوان عالی کشور به موجب دادنامه ۱۵-۱۳۸۵/۱/۲۸ به شرح ذیل رأی صادر نموده است:

در خصوص اختلاف نظر قضایی راجع به صلاحیت رسیدگی بین دادگاه‌های کیفری استان فارس و دادگاه عمومی شهرستان داراب، چون نظریه مرجع اخیر به نظر صائب و رسیدگی به اصل اتهام در صلاحیت دادگاه کیفری استان می‌باشد، با تأیید نظر دادگاه عمومی داراب و تشخیص صلاحیت دادگاه کیفری استان فارس حل اختلاف می‌گردد.

که با توجه به مراتب مذکور، نظر به اینکه شعب یازدهم و چهلم دیوان عالی کشور با استنباط از بند «ن» ماده ۳ قانون اصلاح قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب در تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به قرار منع بازپرسی در خصوص جرایم موضوع تبصره ماده ۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب آراء متهافت صادر گردیده است، لذا مستنداً به ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تقاضای طرح موضوع را جهت صدور رأی وحدت رویه قضایی دارد.

معاون قضایی دیوان عالی کشور

حسینعلی تیری

### ج: نظریه دادستان کل کشور

با احترام در خصوص جلسه مورخ ۱۳۸۸/۱/۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور راجع به طرح پرونده

وحدت رویه ردیف ۲۲/۸۷ موضوع اختلاف نظر بین شعب ۱۱ و ۴۰ دیوان عالی کشور در استنباط از بند «ن» ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ در دو بخش ذیلاً نظریه خود را به عنوان دادستان کل کشور جهت استحضار حضرت عالی و قضات محترم شرکت‌کننده در جلسه اعلام می‌نمایم:

مقدمتاً به استحضار می‌رساند در بند «ن» از ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اسلامی ۱۳۸۱/۱/۲۸ اعلام گردیده است: قرارهای بازپرس که دادستان با آنها موافق باشد در موارد ذیل قابل اعتراض در دادگاه صالحه بوده و نظر دادگاه که در جلسه اداری خارج از نوبت و بدون حضور دادستان به عمل می‌آید قطعی خواهد بود.... ذکر عبارت دادگاه صالحه در این متن مستوجب برداشت‌های مختلف قضایی گردیده و اختلاف نظر حاصله نیز در همین راستا می‌باشد. برای تبیین موضوع که مراد مقنن از دادگاه صالحه چه بوده توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است. اولاً قانونگذار در بند «ل» از همان ماده از همان قانون اعلام می‌دارد: «... هرگاه بین بازپرس و دادستان توافق عقیده نباشد (یکی عقیده به مجرمیت یا موقوفی یا منع تعقیب متهم و دیگری عقیده عکس آن را داشته باشد) رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه عمومی و انقلاب محل به عمل می‌آید و موافق تصمیم دادگاه رفتار می‌شود.» ملاحظه می‌گردد در این متن مطلق اختلاف نظر مطرح است ممکن است این اختلاف نظر فی‌مابین دادستان و بازپرس مربوط به پرونده‌هایی باشد که در صلاحیت دادگاه کیفری استان باشد یا خیر. ثانیاً بر اساس صدر ماده ۲۰ از همان قانون اعلام شده: «به منظور تجدیدنظر در آراء دادگاه‌های عمومی و انقلاب در مرکز هر استان دادگاه تجدیدنظر به تعداد مورد نیاز مرکب از یک نفر رئیس و دو عضو مستشار تشکیل می‌شود...» در تبصره یک از ماده ۲۰ از همان قانون قانونگذار اعلام می‌نماید: «رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائاً در دادگاه تجدیدنظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد دادگاه مذکور (دادگاه کیفری استان) نامیده می‌شود...» ملاحظه می‌فرمایند قانونگذار در صدر این ماده دادگاه‌های تجدیدنظر را اصالتاً جهت تجدیدنظر در آراء دادگاه‌های عمومی و انقلاب معرفی و در تبصره یک به صورت استثناء جرایمی را تصریحاً اعلام می‌دارد که به صورت ابتدایی در شعب تجدیدنظر که در این مورد دادگاه کیفری استان نامیده می‌شود، رسیدگی می‌گردد. از آنجا که هرگاه استثناء براصل وارد شود نیاز به تصریح دارد و ملاحظه می‌گردد در این ماده و مواد دیگر این قانون تصریحی بر رسیدگی دادگاه‌های کیفری استان نسبت به اعتراض به قرارهای بازپرسی وجود ندارد. ثالثاً در

قانون نظارت شرعی بر ذبیح و صید

**ماده ۸-** ناظران شرعی در حکم ضابطین قضائی محسوب گردیده و موظفند از موارد خلاف شرع موضوع این قانون جلوگیری نموده و مراتب را جهت رسیدگی به مراجع صالح قضائی از طریق دفاتر نمایندگی ولی قیامه در سازمان دامپزشکی یا اذن مقام معظم رهبری ابلاغ و اجراء نمایند.

**تبصره ۱-** وظیفه ناظران شرعی بر اساس دیدگاهها و نظرات فقهی مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید ابلاغ می شود.

**ماده ۹-** علم رعایت مقررات مربوط به اصول ذبیح و صید شرعی از سوی اشخاص حقیقی و یا حقوقی موضوع این قانون، جرم محسوب شده و مرتکب یا مرتکبین به تقصیر یا حکم مرجع قضائی، ضمن جبران خسارات وارده به جرایم تقلیدی پنج درصد (پنجمصد) تا ده درصد (دهصد) خسارت وارده محکوم و در صورت تکرار برای بار دوم در ادامه اشتغال در کشتارگاهها و یا واحدهای صنعتی مرتبط آنان جلوگیری به عمل می آید.

رئیس مجلس شورای اسلامی، علی لاریجانی  
روژنامه رسمی شماره ۱۸۲۷۵ مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۹

تاکید بر الزامی بودن حضور وکیل در کلیه مواردی که مجازات قانونی مقرر حبس ابد یا اعدام است

اصلاحیه بخشنامه شماره ۱۸۷۱۹۷۲ - ۱۳۸۷/۱/۲۱ - ۱۳۸۷/۱/۲۱

دادگاههای انقلاب اسلامی و دادگاههای عمومی و انقلاب

تبصره قبل به بند ۲ بخشنامه شماره ۱۸۷۱۹۷۲ - ۱۳۸۷/۱/۲۱ اضافه می گردد.

تعمیرات قضائی (۱۳۸۷/۱/۲۵): دوسوم آن که متهم، مدعی مخطوب بودن مواد مشکوفاً به مواد خلعی باشد به هزینه شخصی او مواد مزبور مورد آزمایش قرار می گیرد.

رئیس قوه قضائیه سیدعلی محمد هاشمی شاهرودی

در اجرای اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و رأی وحدت رویه شماره ۱۳۸۷/۱/۲۱ - ۱۳۸۷/۱/۲۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور و ماده واحده مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۱۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری ده کلمه های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۸ و تبصره آن و نیز ماده ۲۲ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۷ در کلیه مواردی که مجازات قانونی مقرر حبس ابد یا اعدام می باشد.

الف - بقا به متهم ابلاغ تا نسبت به تعیین وکیل برای دفاع از خود اقدام نماید.

ب - در صورت اجتناب از تعیین وکیل نسبت به تعیین وکیل تسخیری اقدام گردد.

ج - در سایر موارد در صورت درخواست متهم، وکیل تسخیری تعیین و قبل از محاکمه بر فرصت لازم جهت مطالعه پرونده و تهیه لایحه دفاعیه در اختیار وکیل مملو قرار گیرد.

د - مستثنی یک وکیل تسخیری برای دو یا چند متهم در یک پرونده به لحاظ تعارض دفاع از موکلین متوجه است. ه - در راستای اجرای دقیق مواد ۲۸ و ۳۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۸ و ماده ۱۳ و ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون مزبور، از طریق کمیته سیاسی امورال، نسبت به شناسایی کلیه افراد متهمین و تعیین مشخصات دقیق اموال مسافره شده و نیز مستثنیات آن در حکم یا حکم اصلاحی اقدام شود.

باصتغای کلی کشور و دامنزای انظمنی قضات مسرفل نظارت بر اجرای صحیح این بخشنامه می باشد.

رئیس قوه قضائیه سیدعلی محمد هاشمی شاهرودی

روژنامه رسمی شماره ۱۸۲۷۵ مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۹

سوابق تاریخی قانونگذاری بعد از انقلاب دادگاههای کیفری دو، امر رسیدگی به اعتراض نسبت به قرارهای بازپرسی را برعهده داشتند هرچند رسیدگی به اتهام متهم در صلاحیت دادگاه کیفری یک بود و در قیل از انقلاب نیز محاکم شهرستان و بعضاً استان و نه دادگاههای جنایی که معادل دادگاههای کیفری استان فعلی است امر رسیدگی به اعتراض نسبت به کلیه قرارهای بازپرسی را برعهده داشته اند. زابعا صلاحیت عمومی دادگستری و دادگاهها اقتضاء دارد که صلاحیت رسیدگی به قرارهای بازپرسی و اعتراض نسبت به آن را داشته باشند والا باید قانونگذار حکیم تصریح برخلاف می نمود. خامسا سهولت دسترسی به محاکم عمومی و جلوگیری از اطلاع دادرسی ایجاب می نماید که اعتراض به این نوع قرارها در محاکم عمومی و انقلاب مورد رسیدگی قرار گیرد. وانگهی دادگاههای کیفری استان استثناء و قدر متیقن دارد.

نظر به: با توجه به مقدمه مذکور و با عنایت به مفاد بند «ل» ماده ۳ از قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸ و عدم امکان اتخاذ تصمیم مغایر با این بند و نیز مفاد ماده ۲۰ و تبصره یک همان ماده از همان قانون که تصریحاً مواردی که در صلاحیت دادگاههای کیفری استان قرار دارد ذکر گردیده و در آن اشاره ای به امر رسیدگی به اعتراض نسبت به قرارهای بازپرسی نشده است و همچنین سابقه تاریخی قانونگذاری نیز حکایت از آن دارد که محاکم جنایی یا دادگاههای کیفری یک به این اعتراضات رسیدگی نمی نمودند و توجه به جلوگیری از اطلاع دادرسی و سهولت دسترسی به محاکم عمومی و جزایی نیز ایجاب می نماید تا اعتراض به قرارهای بازپرسی در محاکم عمومی جزایی مورد بررسی و رسیدگی قرار گیرد. فلذا اینجانب رأی و نظر قضات محترم شعبه یازدهم دیوان عالی کشور که براساس جهات یادشده است منطبق با قانون و معیارهای حقوقی دانسته و تأیید می نمایم.

رأی شماره ۷۱۰ - ۱۳۸۷/۱/۱۸ وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه به موجب بند «ل» ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ هرگاه بین بازپرس و دادستان توافق عقیده در مجرمیت یا منع و یا موقوفی تعقیب متهم نباشد، رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه عمومی و انقلاب محل بعمل می آید و این دستور قانونی بر کلیه جرائم صرف نظر از نوع آن اطلاق دارد، لذا عبارت «دادگاه صالحه» مندرج در بند «ن» ماده ۳ قانون مذکور به قرینه قسمت اخیر بند «ل» همان ماده دادگاه عمومی و انقلاب است. بنابراین رأی شعبه یازدهم دیوان عالی کشور به نظر اکثریت اعضا حاضر در هیات عمومی دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با قانون تشخیص می گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازمالاتباع است.

روژنامه رسمی شماره ۱۸۲۸۹

مورخ ۸۸/۲/۱۴

فسخ قرارداد استخدامی پیمانی با یک ماه اعلام قبلی امکان پذیر خواهد بود

رأی شماره ۳۲ هیات عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال دستورالعمل شماره ۲۸۰۹۱ مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۸ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

رأی هیات عمومی

با عنایت به اینکه حکم مقرر در ماده ۶۴ قانون استخدام کشوری در باب استعفاء از خدمت دولت منحصراً ناظر به مستخدم رسمی است و حسب ماده ۱۶ آیین نامه استخدام پیمانی «فسخ قرارداد استخدام پیمانی توسط هر یک از طرفین قرارداد با یک ماه اعلام قبلی امکان پذیر خواهد بود، مگر آنکه در قرارداد مدت کمتری تعیین شده باشد» بنابراین اطلاق بخشنامه شماره ۱۸۰۹۱ مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۸ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که نافی حق فسخ قرارداد پیمانی توسط مستخدمین پیمانی و خروج آنها از خدمت در آن سازمان است، خلاف قانون و مقررات و خارج از حدود اختیارات آن سازمان در وضع مقررات دولتی می باشد و به جهت مذکور مستقلاً به قسمت دوم اصل ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

هیات عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضائی دیوان عدالت اداری سرپرست

روژنامه رسمی شماره ۱۸۲۸۷ مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۹

ایراد رئیس مجلس شورای اسلامی به تصویب نامه های هیات وزیران  
مبنی بر مغایرت با قانون کافی برای الغاء آن است

ضرورت دقت و بهره گیری از ظرفیت قوانین و مقررات مربوط به پرداخت دیه

رأی شماره ۴۶ هیأت عمومی دیوان عدالت  
اداری در خصوص اعمال ماده ۵۳ آیین  
دادرسی

### رأی هیأت عمومی

طبق تبصره ۴ الحاقی به ماده واحده قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیتهای رئیس مجلس شورای اسلامی، چنانچه تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد رئیس مجلس شورای اسلامی قرار گیرد و پس از اعلام ایراد به هیأت وزیران ظرف مدت مقرر در قانون، نسبت به اصلاح یا لغو آن اقدام نشود پس از پایان مدت مذکور حسب مورد تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد ملغی الاثر خواهد بود. نظر به اینکه تصویب نامه شماره ۵۹۷۷۹ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۱ هیأت وزیران در اجرای ماده واحده فوق الذکر به نظر ریاست مجلس شورای اسلامی رسیده و نامبرده به شرح نظریه شماره ۷۰۱۸۳/۷۰/هـ/ب مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۲ آن را مغایر قانون اعلام داشته اند و هیأت وزیران ظرف مهلت قانونی نسبت به اصلاحی یا الغاء آن اقدامی ننموده اند. بنابراین به تجویز قسمت آخر تبصره فوق الذکر، تصویب نامه هیأت وزیران ملغی الاثر بوده و با این کیفیت موردی برای رسیدگی به اعتراض نماینده قوه قضائیه در سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی به تصویب نامه فوق الذکر و اتخاذ تصمیم نسبت به آن وجود نداشته است. بنابراین با عنایت به ماده ۵۳ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری دادنامه شماره ۵۷۴ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر عدم مغایرت تصویب نامه مورد اعتراض با قانون و عدم خروج آن از حدود اختیارات قوه مجریه نقض می شود و موردی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم در زمینه اعتراض شاکی به تصویب نامه ای که ملغی الاثر و فاقد اعتبار بوده است، وجود ندارد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معاون  
قضائی دیوان عدالت اداری - رهبرپور  
روزنامه رسمی شماره ۱۸۶۹۴ مورخ  
۱۳۸۸/۲/۲۰



بخشنامه به رؤسای دادگستری های استان ها و دادستانهای نظامی، عمومی و انقلاب سراسر کشور  
نظر به ضرورت دقت و بهره گیری از ظرفیت قوانین و مقررات مربوط به پرداخت دیه به  
خصوص قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضرورت مصوب ۱۳۷۳،  
قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب  
۱۳۸۷/۴/۱۶ و قانون بودجه سنواتی، مقرر می دارد:

- ۱- پرداخت دیه از بیت المال فقط در مواردی خواهد بود که موضوع حکم، مضمون مقررات « مواد ۲۳۶، ۲۵۵، ۲۶۰، ۳۱۲، ۳۱۳ و ۳۳۲ و تبصره ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی » و « ماده ۱۳ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری » است.
- ۲- برای تأمین دیه و خسارتهای بدنی ناشی از حوادث رانندگی از ظرفیت صندوق تأمین خسارتهای پیش بینی شده در قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث بنحو مطلوب استفاده شود.
- ۳- قبل از صدور حکم اعسار نسبت به ارشاد محکوم علیه جهت استفاده از تسهیلات بانکی موضوع بند ۴۵ قانون بودجه ۱۳۸۸ در خصوص اعطاء وام برای پرداخت دیه اقدام لازم به عمل آید.
- ۴- در صدور حکم اعسار از پرداخت دیه، توجه کافی نسبت به جلوگیری از اتلاف بیت المال و همچنین حقوق زیان دیده به عمل آید.
- ۵- نظر به اینکه وزارت دادگستری برای پرداخت دیه از بیت المال و تأمین بودجه نماینده دولت است کلیه دعاوی مربوط به اعسار به طرفیت وزارت دادگستری با رعایت صلاحیت محلی و سایر شرایط قانونی به عمل آید.

۶- رؤسای دادگستری و دادستانها مسئول حُسن اجرای این بخشنامه خواهند بود.

رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی  
روزنامه رسمی شماره ۱۸۶۸۹ مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۴

### تاکید بر احتراز ارسال تقاضای اعمال ماده ۱۸ قبل از قطعیت حکم

بخشنامه به دادگستری های استانهای سراسر کشور  
(بخشنامه مجدد در خصوص ماده ۱۸ اصلاحی)

نظر به ضرورت تسریع در رسیدگی به درخواست های مردم در خصوص اعمال ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ مقرر می دارد نسبت به انجام موارد زیر اقدام لازم به عمل آید:

- ۱- در روند رسیدگی و اتخاذ تصمیم در کوتاهترین زمان ممکن تسریع به عمل آورده و از نگهداری غیر ضرور پرونده ها نزد قاضی بررسی کننده و یا هیأت موضوع ماده ۶ آیین نامه اجتناب شود.
- ۲- در گزارش قاضی بررسی کننده و صورت جلسه هیأت مشخصات کامل پرونده از قبیل کلاس پرونده، شماره دادنامه و دادگاه صادر کننده حکم قید شود و از ارسال پرونده هایی که اطمینان کامل به وجود تخلف از موازین شرع در آن وجود ندارد و یا آنکه فاقد ضمائم مورد نیاز می باشد خودداری شود.
- ۳- در خصوص پرونده های موضوع استیذان قصاص ضمن رعایت کامل مفاد بخشنامه های صادره و دقت در تنظیم فرم استیذان اصل پرونده نیز پس از برگ شماری ارسال گردد. همچنین در رفع نقائص بعدی و پاسخ به استعلام ها تسریع شود.
- ۴- از ارسال درخواست های اعمال ماده ۱۸ در مورد پرونده های مزبور قبل از قطعیت حکم و تنظیم فرم استیذان خودداری شود.
- ۵- واحدهای اجرای احکام موظفند بعد از تنفيذ حکم قصاص نسبت به تعیین تکلیف پرونده و زندانی، پیگیری های لازم را به عمل آورده و نتایج اقدامات انجام شده را به حوزه نظارت قضایی ویژه ارسال نمایند.



رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی  
روزنامه رسمی شماره ۱۸۶۹۶ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۲

**آیین‌نامه اصلاحی آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۲۹ دی ماه ۱۳۵۵**

ماده ۱- وکالت تسخیری وکالتی است که از طرف دادگاه در امور کیفری برای دفاع از متهم به وکلا ارجاع می‌شود.  
 ماده ۲- نیاز به وکیل از طریق رئیس کل دادگستری به کانون وکلای دادگستری یا مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه استان مربوط اعلام می‌شود تا نسبت به تعیین و معرفی وکیل اقدام شود.  
 ماده ۳- وکالت معاضدتی وکالتی است که از طرف کانون وکلای دادگستری یا مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه برای امور حقوقی با رعایت مقررات فصل دوم آیین‌نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶/۳/۱۹ به وکلا ارجاع می‌شود.  
 ماده ۴- میزان حق‌الوکاله قابل پرداخت برای هر مورد وکالت تسخیری و یا معاضدتی مبلغ دو میلیون ریال است.  
 ماده ۵- دستورالعمل نحوه پرداخت، توسط کانون

وکلائی مرکز و مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه مشترکاً تهیه و اجراء خواهد شد.  
 ماده ۶- در وکالت تسخیری اگر تعداد جلسات دادرسی بیشتر از دوجلسه شود برای هر جلسه اضافی مبلغ پانصد هزار ریال و در صورتی که در یک پرونده وکالت بیش از دو نفر متهم به وکیل ارجاع شود برای هر متهم از نفر دوم به بعد مبلغ یک میلیون ریال علاوه بر مبلغ مذکور در ماده ۴ به وکیل پرداخت خواهد شد.  
 ماده ۷- هزینه سفر وکلا برای شرکت در جلسات دادگاه در صورتی که محل دادگاه خارج از محل دفتر و اشتغال وکیل باشد براساس آیین‌نامه هزینه سفر قضات دادگستری پرداخت می‌گردد.  
 ماده ۸- حق‌الوکاله و هزینه سفر وکالت تسخیری یا گواهی دادگاه و در وکالت معاضدتی با گواهی اداره معاضدت و تأیید کانون وکلای دادگستری یا مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه پرداخت خواهد شد.  
 ماده ۹- اداره کل بودجه و تشکیلات قوه قضاییه همه ساله ۲۵ درصد اعتبار مورد نیاز حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری و معاضدتی را که توسط کانون وکلای دادگستری مرکز و مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه برآورد و پیشنهاد می‌گردد در

لایحه بودجه منظور تا پس از تصویب براساس موافقتنامه بودجه جاری مصوب و از طریق ذی‌حسابی دادگستری به طور مساوی به صورت تنخواه‌گردان در اختیار کانون وکلای دادگستری و مرکز مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه قرار داده و با توجه به اسناد پرداخت شده موجودی را تا حداقل ۲۵ درصد مذکور تکمیل نماید.  
 ماده ۱۰- میزان حق‌الوکاله تعیین شده در این آیین‌نامه هر سال یکبار با توجه به شاخص تورم تجدیدنظر و تعدیل خواهد شد.  
 ماده ۱۱- با تصویب این آیین‌نامه آیین‌نامه‌های قبلی ملغی‌الائثر می‌گردد.  
 ماده ۱۲- این آیین‌نامه در اجرای ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵ در ۱۲ ماده بنا به پیشنهاد مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۵ کانون وکلای دادگستری مرکز و اصلاحات پیشنهادی مرکز مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۲ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید.  
**رئیس قوه قضاییه**  
**سیدمحمود هاشمی شاهرودی**  
 روزنامه رسمی شماره ۱۸۱۹۶ مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۲

حکم مقنن صرفاً ناظر به دفاتر املاک و مستغلات است  
 رأی شماره ۳۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال بخشنامه‌های شماره ۸۷/۶۵۰۶۲ مورخ ۱۳۸۷/۹/۴ و ۸۷/۶۹۷۶۹ مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۱ رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

**رأی هیأت عمومی**  
 در ماده ۱۳ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۷ تصریح شده است که «وزارت بازرگانی موظف است با همکاری وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی و کشور تمهیدات لازم برای تعیین صلاحیت دفاتر املاک و مستغلات و نحوه نظارت بر عملکرد آنها را تدوین و به مورد اجراء گذارد» نظر به اینکه حکم مقنن صرفاً ناظر به دفاتر املاک و مستغلات است و تسری آن به دفاتر اسناد رسمی مجوزی ندارد، بنابراین بخشنامه‌های شماره ۸۷/۶۵۰۶۲ مورخ ۱۳۸۷/۹/۴ و شماره ۸۷/۶۹۷۶۹ مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۱ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که دفاتر اسناد رسمی را ملزم به اعلام مراتب انجام معامله و مشخصات متعاملین و ملک به وزارت بازرگانی کرده است، خارج از حدود اختیارات سازمان مزبور در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی و ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد.  
**هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضائی دیوان عدالت اداری - رهبرپور**  
 روزنامه رسمی شماره ۱۸۶۸۷ مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۲

تغییر کاربری مشاعات و پارکینگ‌های اختصاصی مجتمع‌ها بدون موافقت کلیه مالکین و رعایت مقررات قانون تملک آپارتمانها و جاهت قانونی ندارد  
 رأی شماره ۴۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص عدم جواز تغییر کاربری پارکینگ مگر در موارد استثناء شده قانونی  
**رأی هیأت عمومی**  
 الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز بنظر می‌رسد. ب - علاوه بر اینکه تغییر کاربری مشاعات و پارکینگ‌های اختصاصی مجتمع‌های ساختمانی بدون موافقت کلیه مالکین و رعایت مقررات قانون تملک آپارتمانها و جاهت قانونی ندارد، اساساً حکم مقرر در تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مصرح در لزوم تأمین پارکینگ به منظور جلوگیری از اشغال فضای عمومی و ایجاد ترافیک ناشی از آن است و تغییر کاربری آن جز در موارد مستثنی شده در مقررات جواز قانونی ندارد. بنابراین دادنامه شماره ۲۵۱۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۴ شعبه بیست و هشتم دیوان عدالت اداری مبنی بر رد اعتراض شاکی نسبت به رأی قطعی کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری در حدی که مفید این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی می‌باشد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.  
**هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضائی دیوان عدالت اداری - رهبرپور**  
 روزنامه رسمی شماره ۱۸۶۹۴ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۰

احداث بنای مسکونی در اراضی کشاورزی قبل از تغییر کاربری آنها توسط مرجع ذیصلاح قانونی مجوزی ندارد  
 رأی شماره ۴۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص اعتراض به رأی کمیسیون ماده صد قانون شهرداری  
**رأی هیأت عمومی**  
 الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز بنظر می‌رسد.  
 ب - علاوه بر اینکه احداث بنا در محدوده قانونی شهر و حریم آن منوط به ارائه سند مالکیت رسمی و یا مدارک مثبت اذن مالک است، اساساً احداث بنای مسکونی در اراضی کشاورزی قبل از تغییر کاربری آنها توسط مرجع ذیصلاح قانونی مجوزی ندارد. بنابراین دادنامه شماره ۱۸۸۰ مورخ ۱۳۸۷/۷/۱۷ شعبه سی‌ام دیوان عدالت اداری مبنی بر رد اعتراض شاکی نسبت به رأی قطعی کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری در حدی که مفید این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی می‌باشد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.  
**هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضائی دیوان عدالت اداری**  
 رهبرپور  
 روزنامه رسمی شماره ۱۸۶۹۴ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۰